

مجتبی ار دشریری

روزنامه‌نگار

«مصطفی عقاد» در سوریه به دنیا آمد؛ سال ۱۹۳۰ و در خانواده‌ای که هفت برادر و خواهر دیگر نیز داشت. در عنفوان جوانی برای تحصیل در رشته سینما به کالیفرنزای آمریکا رفت و بعد هم مشغول کار شد. همین سرنوشت در فیلمسازی او نیز تکرار شد؛ مسلمانان او را با آثاری چون «محمد رسول الله(ص)» و «شیر صحر» می‌شناسند و آمریکایی‌ها هم وی را برای تهیه مجموعه فیلم‌های «هالووین»، عقاد در دهه سوم زندگی خود به تحصیل در حوزه سینما در دانشگاه‌های معتبر آمریکا مشغول بود و در ۳۰ تا ۴۰ سالگی، بیشتر به‌عنوان مدیر تولید، کارگردان فیلم‌های کوتاه، تهیه‌کننده و حتی بازیگر مشغول فعالیت شد. نزدیک شدن او به کمپانی «واینستین» سبب شد کم‌رویی کارگردانی آثار بلند سینمایی تمرکز ویژه‌ای داشته باشد.

نگاهی به کارنامه عقاد نشان می‌دهد وی تلاش کرد با دست گذاشتن روی چهره‌ها و وقایع مهم تاریخ، علاوه بر پرداختن به سوزهای پرسروصدا، توجه مخاطبان حداکثری را به خود جلب کند. او راجع به پیامبر (ص)، عمر مختار و جشن ترسناک دلپره‌آور هالووین فیلم ساخت و در نتیجه، همواره به چشم می‌آمد. عقاد به اذعان خودش فیلم «محمد رسول الله (ص)» را برای آشنایی غربی‌ها با پیامبری که جامعه ۷۰۰ میلیون نفری مسلمان آن سال‌ها به او ایمان داشتند، ساخته بود؛ بنابراین تلاش داشت با بهره‌مندی از اصول آکادمیک فیلمسازی که فراگرفته بود و البته فنی‌ترین زیرساخت‌های سخت‌افزاری فیلمسازی در دنیا که در اختیار کمپانی واینستین بود، روی سوزهای خاص کار کند.

۹ خیز جدی برای ساخت «محمد رسول‌الله(ص)»

علاقش سینمایی مصطفی عقاد در ابتدای ۴۰ سالگی وی مشخص می‌شود. در علقه‌های سینمایی عقاد، بحث «اسلام» به عنوان نخستین مساله به چشم می‌خورد. زمانی که عقاد در ۱۸ سالگی، حلب را به قصد تحصیل در کالیفرنیا ترک می‌کند، تنها چیزی که از پدرش می‌خواهد، یک جلد قرآن کریم است. بعدها او گفت که ساخت فیلمی راجع به پیامبر(ص)، دغدغه دوران جوانی وی بوده، ولی به دلیل محدودیت‌ها و البته بی‌اعتمادی‌هایی که به وی به‌عنوان کسی که می‌خواست فیلم‌رفیق‌ترین چهره اسلامی را بسازد، وجود داشت، این امکان برای او مهیا نبود و به همین دلیل بیشتر فعالیت ۲۰ تا ۳۰ سالگی عقاد (یعنی قبل از ورود به دوران اجرایی در سینما) صرف ارائه طرح و فیلمنامه برای شبکه‌های تلویزیونی آمریکا از جمله شبکه معروف «ان بی سی» شد. از ابتدای ۲۰ سالگی که وی به یک پخش‌کنی لازم‌در زمینه فیلمسازی و آشنایی با این صنعت دست پیدا کرد، توانست روی سوزه محبوب خود که پیامبر (ص) بود کار کند. این کار پنج سال زمان برد، چراکه زمینه برای پرداخت فیلمنامه مهیا نبود. مرادات او با بزرگان اهل شیعه و سنت در کشورهای مختلف و البته پروسه طولانی فیلمسازی و پیدا کردن سرمایه‌گذاران متعدد سبب شد شاخص‌ترین فیلم کارنامه‌اش، در همان نخستین فعالیت بلند سینمایی‌اش متجلی شود. او در سال ۱۹۷۶ یعنی زمانی که ۴۶ سال داشت، «محمد رسول الله(ص)» را با نام اصلی «الرساله» به پایان رساند؛ دو سال صرف پژوهش و فیلمنامه، دو سال صرف آماده‌سازی اذهان بزرگان در قید حیات اسلام و یک سال هم برای فیلمبرداری.

۹ اقبالی حداکثری برای کارنامه‌ای کوچک

عقاد در این مسیر بسیار موفق بود، اگرچه تاریخ سینماوی را در تراز کارگردانان شاخص و ردیف اول محسوب نمی‌کند، اما او حداقل برای مسلمانان جهان، یک کارگردان تاریخ‌ساز به حساب می‌آید. هر دو فیلم او با محوریت شخصیت‌های دین اسلام، واکنش‌هایی متفاوت و البته حداکثری در پی داشت و سری فیلم‌های «هالووین» را ونیز در هالیوود نه تنها مورد استقبال قرار گرفت، بلکه سری‌سازی‌های متعددی از روی آن انجام شد و فروش‌های کیکشانی نیز به دست آورد.

او سه سال بعد از موفقیت خیره‌کننده «محمد رسول الله(ص)»، دیگر فیلم جاودانه‌اش یعنی «شیر صحر» را با برداشتی از زندگی «عمر مختار» جلوی دوربین برد. دیگر فیلم موفق او برخلاف تصور، مورد استقبال قابل توجهی قرار گرفت، به گونه‌ای که بیش از چهار سال در کشورهای مختلف جهان روی پرده می‌رفت. طبیعتا سازوکار دو پروژه سخت و طاقت‌فرسا که یک دهه از عمر او را بی‌وقفه به خود اختصاص داده بود، سبب شدوی پس از کشمکش‌های بسیار با مخالفان زیاد این دو فیلم و البته کشورگردی‌های بسیاری که برای اکران این دو فیلم ترتیب داده می‌شد، به تهیه‌کنندگی سینما روی بیاورد و این بار بخت خود را در هالیوود بسنجد، چرا که دو فیلم قبلی وی، عمده شهریت خود را در کشورهای آسیایی و بعضا اروپایی به دست آورده بودند، اما در میان مردم آمریکا و به‌خصوص مسلمانان این کشور، جایگاه چندان‌ی نداشتند، به گونه‌ای که حتی در زمان اکران «محمد رسول‌الله(ص)» در آمریکا، مخالفت‌های وسیعی نیز از سوی برخی مسلمانان این کشور دیده شد.

وی ترجیح داد با این میزان مخالفت‌ها، با فرهنگ آنها فیلم بسازد و به همین دلیل کار خود در هالیوود را با تهیه‌کنندگی اثر مشهور «هالووین» (جان کارپنتر) استارت زد. او این فعالیت را عقاد دو سال پس از ساخت «محمد رسول الله(ص)» آغاز کرد. عقاد اگرچه «محمد رسول الله(ص)» را بی‌توجه به سودآوری در گیشه ساخته بود، اما به سود نسبتا خوبی دست یافت و در «هالووین» که آن را به کمک دو تهیه‌کننده دیگر، مستقیما با هدف گیشه ساخت، موفق شد با سرمایه ۳۳۵ هزار دلاری که خرج فیلم شده بود، بیشتر از ۷۰ میلیون دلار به دست آورد. این سودآوری سرشار برای او و کمپانی سبب شد وی تهیه‌کنندگی این فیلم ترسناک و اسلشر تا سری پنجم آن ادامه دهد. همچنان که بین این پنج فصل از «هالووین»، فیلم «ملاقات ترس» را نیز تهیه کرد که اگرچه



روایتی از راوی «الرساله»

کاش چند تا عقاد داشتیم

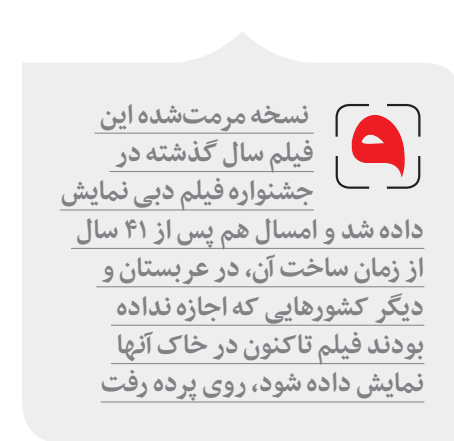
وی در سال ۱۳۷۸ نیز برای شرکت در جشنواره فیلم فجر راهی ایران شد و با استقبال باشکوهی از سوی مسئولان و اهالی رسانه مواجه شد.

۹ گام‌های اجرایی برای ساخت «محمد رسول‌الله(ص)»

مصطفی عقاد در ابتدای دهه ۷۰ تصمیم می‌گیرد حسرت بزرگ زندگی خود را که ساخت یک فیلم بر مبنای زندگی پیامبر (ص) بود عملیاتی کند. هالیوود تا آن سال، فیلم‌های تاریخی بسیاری راجع به شخصیت‌های عمداً مسیحی و حتی یهودی ساخته بود و این اهتمام حتی منجر به ساخت فیلم‌های تاریخی و حماسی از روی برخی‌رمان‌های مشهور تاریخ ادبیات نیز شد اما در این میان، خلاء پر داخت به چهره‌های شاخص دنیای اسلام علی‌الخصوص پیامبر (ص) به‌شدت احساس می‌شد.

عقاد در این مسیر، مشکلات بسیاری داشت. نخستین آن اما مشکل فیلمنامه بود. روایتی که او می‌خواست از سال‌های ۴۰ تا ۶۳ سالگی پیامبر(ص) به تصویر بکشد، حالا دیگر موافقان و مخالفان مذهبی داشت. اگرچه در زمان پیامبر(ص) بحث شیعه و سنی مطرح نبود اما حالا حتی نشان دادن اذان بلال نیز می‌توانست محفلی برای مخالفت‌ها با این فیلم شود. تصمیم درست عقاد زمانی اتخاذ شد که وی تصمیم گرفت به جای ساخت یک اثر سطحی و سرسری به مانند تولیدات روز هالیوود، روی یک پروژه فاخر و ماندگار سرمایه‌گذاری کند به همین دلیل به دیدار مشایخ و علمای شیعه و سنی آسیایی و آفریقایی رفت و توانست با ارائه یک‌سری کلیات، موافقت‌نسبی و اولیه آنها را نسبت به ساخت فیلمی با محوریت زندگی پیامبر (ص) به دست آورد. او حتی برای این مهم به دیدار شخصیت‌هایی همچون معمر قذافی رفت و با امام موسی صدر نیز دیدارهایی داشت.

او در همین نشست‌وپرخاست‌ها که بسا این مراکز و چهره‌های مذهبی و تصمیم‌گیر داشت، با محدودیت‌ها و وسواس‌های آنها در به تصویرکشیدن برخی مناسبات آشنا شد و در مرحله بعدی به همراه تیمی، به‌نگارش فیلمنامه ابتدایی پرداخت. او کار را انتقد را وسواس ادامه می‌داد که هر صفحه فیلمنامه را به دانشگاه الازهر مصر تحویل داده و تأیید آنها را در پروسه انتخابی خود برای روایت داستان می‌گرفت. تأیید الازهر که مرکز قدرت سنی‌مذهبان بود، سبب می‌شد تا میزان مخالفت جامعه سنی از این فیلم کم شود. مهم‌زمان با این اقدام، او باید حمایت جامعه شیعی را نیز به دست می‌آورد، به همین دلیل فیلمنامه را به «مجلس الشیعه» لبنان ارائه داد و توانست موافقت آنان را نیز به دست آورد. در گام بعدی باید با گروه‌های تندرو که عموماً متعلق به عربستان بودند، دیدار و موافقت آنان را نیز جلب می‌کرد؛ چراکه عمده مخالفت‌های احتمالی از جانب این گروه‌ها به وجود می‌آمد. او چندین دیدار با آنها برگزار کرد و وقتی دید استدلال آنان این است که فیلمبرداری یعنی دمیدن روح در کالبد یک شخصیت که راه می‌رود و حیات دارد و این ویژگی تنها از آن خدا بوده و این امر باطل است، بنابراین قید جذب اعتماد آنان را زد و تصمیم گرفت فیلم را پس از دو سال دوندگی در مراحل تحقیق، نگارش و جلب اعتماد، جلوی دوربین ببرد اما حالا دومین مشکل سد راه وی شده بود.



۹ مصائب سه گانه ساخت این فیلم

پروژه‌های تاریخی هالیوود، فیلم‌هایی بودند که به چند دلیل سرمایه‌گذار برای ساخت آنها به سادگی فراهم می‌شد. نخست آنکه شخصیت‌ها و داستان‌های پرداختی این گونه فیلم‌ها، ریشه در فرهنگ آمریکایی داشتند و آنها حاضر بودند به‌عنوان یک نهاد قدرتمند، فرهنگ و شخصیت‌های خود را در قالب فیلم‌های سینمایی جذاب و هدایتگر به تمام جهان اشاعه دهند. همچنان که می‌بینیم شخصیت‌ها و افسانه‌های مورد وثوق جامعه آمریکایی در ۸۰ سال اخیر تا چه اندازه توانسته‌اند از طریق فیلم‌های سینمایی، بر جامعه جهانی وارد شوند و تأثیرگذار باشند.

دوم آنکه، این گونه آثار همواره مورد حمایت‌های مادی و معنوی کارتل‌ها و تراست‌های سرمایه‌گذار بازار آمریکا قرار داشته و صاحبان آنها نگرانی چندانی از بابت حساسیت‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ بنگاه‌های اقتصادی و بعضاً مذهبی در پروسه شکل‌گیری فیلم ندارند. ضمن آنکه همواره در طول ساخت و مخصوصاً در زمان اکران بیشترین تعداد سالن‌ها در کشورهای مختلف به آن فیلم‌ها اختصاص داده می‌شد و مورد سوم، آسودگی خاطر سرمایه‌گذاران این دست فیلم‌ها از بازگشت سرمایه بود؛ چراکه به واسطه یک اکران وسیع جهانی و البته دست‌گذاشتن روی شخصیت‌ها و روایات مورد اعتقاد مردم، مخاطبان بسیاری در چهار گوشه جهان به تماشا ی آن فیلم می‌نشستند که سودآوری خوبی برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌شد. مصطفی عقاد در راه ساخت «محمد رسول الله(ص)» هیچ‌یک از این حمایت‌ها را نداشت. تنها بهره‌ای که او می‌توانست از یک دهه فعالیت در هالیوود کسب کند، استفاده از چهره‌های شناخته‌شده صنعت سینمای آمریکا بود که سبب می‌شد مخاطب غیرمسلمان به واسطه حضور آن عوامل، متوجه فیلم‌شود اما مشکل اصلی همچنان سرمایه بود؛ سرمایه‌ای که برای آن سال‌های میانه دهه ۷۰، ۱۰ میلیون دلار تخمین‌زده می‌شد که رقم بسیار هنگفتی بود. عقاد برای فراهم آوردن این سرمایه، رایزنی‌های گسترده‌ای را آغاز می‌کند اما بودجه‌ای می‌توانست از مراکز فرهنگی مراکش، لبنان، کویت و حتی انگلیس به دست بیاورد، حتی به نیمی از هزینه‌های تولید نیز نمی‌رسید. او که دامنه رایزنی‌های خود را با پادشاهان و مقامات تصمیم‌گیر سیاسی کشورهای مسلمان گسترده بود، طی دیداری اتفاقی، با معمر قذافی روبه‌رو شد و حمایت‌های لازم وی را برای فراهم شدن باقیی بودجه به دست آورد تا تلاش حدوداً دو ساله‌اش در جذب سرمایه به نتیجه بنشیند.

مشکل سوم، لوکیشن‌های فیلم بود که طبیعتاً باید در مکه و مدینه فیلمبرداری می‌شد اما آل سعود از همان نخستین مراحل پژوهش، کمترین همکاری را با عقاد داشت، به‌طوری‌که به جز دیدار با گروه‌های تندروی مسلمان، عقاد دیدار چندان خاصی با حکام و تصمیم‌گیران سیاسی و مذهبی عربستان نداشت و به دلیل پیروی سیاسی عربستان از مصر، وی ترجیح داد با جذب حمایت مصر، عربستان و دیگر کشورهای مسلمان سنی‌مذهب را با تصمیم عالی‌ترین نهاد علمی مصر (دانشگاه الازهر) همراه کند. بنابراین عقاد به خوبی می‌دانست که نمی‌تواند موافقت مقامات عربستان را برای فیلمبرداری در دو شهر کلیدی این کشور به دست آورد. او در بررسی کشورهای نظیر کویت، یمن، اردن و لیبی به این نتیجه می‌رسد که لیبی، نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین لوکیشن‌های بکر را به مکه و مدینه آن سال‌ها دارد، بنابراین لیبی پس از آنکه بخش عمده‌ای از هزینه‌های تولید این فیلم را پرداخت، موافقت کرد که این فیلم در خاک این کشور تصویربرداری شود. البته چندین سکانس فیلم در مراکش جلوی دوربین رفت.

بنابراین با مرتفع شدن سه مشکلی که اجازه نمی‌داد تصور ساخت فیلمی با محوریت پیامبر(ص) به‌ذهن هیچ فیلمسازی خطور کند، این چنین برای عقاد مرتفع شد تا تمام دوندگی‌های چهارساله او حالا به مرز فیلمبرداری برسد.

۹ آغاز فیلمبرداری؛ رویای نوجوانی و جوانی

عقاد در سال ۱۹۷۶، «الرساله» (محمد رسول الله(ص)) را جلوی دوربین می‌برد؛ آن هم با بازیگر شاخص هالیوودی یعنی «آنتونی



کوئین» که در آن زمان دو جایزه اسکار را در کارنامه داشت. شاید بازی او در فیلم مهمی چون «لورنس عربستان» توجه عقاد را به اعطای مهم‌ترین نقش فیلمش به او جلب کرد؛ آن هم در فیلمی که با هوشمندی بالایی به نگارش درآمده بود و داستان از زبان حضرت حمزه(ع) روایت شده و چهره‌های پیامبر (ص) و امام علی(ع) به تصویر کشیده نمی‌شد.

عقاد برای دیگر نقش‌های فیلمش نیز از بازیگران شناخته‌شده هالیوودی بهره برد. «ایرنه پاپاس» که نقش «هند جگرخوار» را بازی کرد و تا آن زمان به‌عنوان ستاره فیلم‌های آتیلا، آنتیگون و زوربای یونانی شناخته می‌شد. «مایکل آنسارا» ستاره «سفر به قعر دریا»، «جانی سسکا» و «مایکل فورست» و صدای «پچارد جانسون» در نقش راوی داستان. درواقع عقاد با بهره‌مندی از ستارگان هالیوودی، توانست بهترین انتخاب‌های ممکن را برای نقش‌های مسلمانان داشته باشد. البته که در این القای باورپذیر، نقش گریم جادویی کار بی‌تأثیر نبود. هرچند فیلمنامه این کار، جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی را دریافت کرد و «موریس ژار» نیز برای ساخت موسیقی گوشنواز این اثر تاریخی، نامزد دریافت جایزه اسکار شد.

دیگر هوشمندی عقاد در آن بود که برای برخورد با هرگونه بازخورد منفی در زمان اکران فیلم، سکانس‌ها را با بازیگران هالیوودی و عربی ضبط و درواقع دو نسخه از فیلم استخراج کرد. چون در همان زمان ساخت، برخی زمزمه‌ها مبنی بر ساخت فیلم زندگی پیامبر(ص) با گروهی کاملاً غربی به گوش می‌رسید که امکان داشت اکران جهانی فیلم را به‌خصوص در کشورهای هدف که

کشورهای مسلمان آسیا بودند، تحت الشعاع قرار دهد. به همین منظور، عقاد نسخه دیگری با بازیگران عرب کمتر شناخته‌شده ضبط کرد، چراکه کشورهای عربی در آن سال‌ها صنعت سینما نداشتند و تنها کشوری مانند مصر بود که تولید فیلم داشت. البته تکیه و زیباشناسی عقاد بیشتر روی نسخه غربی سوار بود و وی بعدها نیز بدون هیچ مشکلی نسخه غربی آن را اکران کرد، گرچه نسخه غربی فیلم هم به راحتی در دسترس است.

مدت زمان فیلمبرداری «محمد رسول‌الله(ص)» با توجه به رفت‌وآمد گروه میان سه کشور آمریکا، لیبی و مراکش، انتقال تجهیزات به این کشورها، برداشت دو نسخه غربی و عربی و البته شرایط ویژه آب و هوایی لیبی و مراکش، بیش از هفت ماه طول کشید. تدوین کار همزمان با فیلمبرداری آغاز شد تا پروسه ساخت این فیلم به بیش از ۹ ماه برسد. البته فیلم پس از آماده شدن، در همان سال ۱۹۷۶، یک اکران گسترده در لندن داشت که بازخورد متوسطی پیدا کرد و گروه هنوز به ارزش تجاری کاری که کرده بودند، پی نبردند.

۹ التهاب در اکران جهانی

اکران رسمی و گسترده فیلم با نظم بسیار خوبی که شرکت «طارق فیلم» به‌عنوان پخش‌کننده جهانی فیلم برای آن در نظر گرفته بود، از ابتدای سال ۱۹۷۸ آغاز شد. چند کشور اروپایی از جمله فرانسه، فیلم را همزمان با نیویورک و دیگر شهرهای آمریکا نمایش دادند. آنچه از مدت‌ها قبل نیز تصور می‌شد به وقوع پیوست و گروه‌های افراطی در همان نخستین روزهای اکران جهانی فیلم به مخالفت‌های آشکار رسانه‌ای و حتی میدانی پرداختند. تجمع گسترده در آمریکا شکل گرفت که تندروها طی شعارهایی، حمایت خود از عدم اکران فیلم را اعلام کردند. بعدها چند نفر از حاضران در آن تجمع‌ها اعلام کردند که بسیاری از حضار شرکت‌کننده در آن تجمع‌ها اصلاً فیلم را ندیده بودند و فقط به آنها اطلاع داده شده بود که «آنتونی کوئین» در این فیلم در نقش پیامبر(ص) ظاهر شده و در تمام مدت، چهره او نشان داده می‌شود.

همچنان که آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، مامن تظاهرات و اعتراضاتی علیه اکران این فیلم بود، کشورهای عربی با محوریت عربستان، در حرکتی دسته‌جمعی، فیلم را با یکوت کردند و اجازه نمایش آن را ندادند. اگرچه فیلم در آن زمان، اکران‌های محدود را در مصر و سوریه تجربه کرد اما قدر مسلم آنکه فیلم در زمان اکران خود قدر دانسته نشد و همین انبساط تدریجی اذهان به نفع فیلم سبب شد «محمد رسول الله(ص)» تا سه سال به صورت منقطع روی پرده باشد. مثلاً ترکیه فیلم را دو سال پس از اکران جهانی آن نمایش داد.

البته نسخه مرمت‌شده این فیلم سال گذشته در جشنواره فیلم‌دبی نمایش داده شد و امسال هم پس از ۴۱ سال از زمان ساخت آن، در عربستان و دیگر کشورهایی که اجازه نداده بودند فیلم تانکون در خاک آنها نمایش داده شود، روی پرده رفت. از دهه ۱۹۸۰ و پس از پایین آمدن فیلم از روی پرده بود که کم‌کم اقبال وسیعی متوجه فیلم «مصطفی عقاد» شد. فیلم در ایران نیز در زمان پهلوی اجازه نمایش نداشت و پس از پیروزی انقلاب اجماعی برای نمایش این فیلم به وجود نیامد تا اینکه به گفته عقاد، امام خمینی (ره) فیلم را مشاهده کرد و با حکم به اینکه در زمان پیامبر(ص)، مساله شیعه و سنی وجود نداشته، حکم به نمایش فیلم در سینماهای ایران داد. ارزش این فیلم در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ امروز، روزبه‌روز در حال افزایش است و محبوبیت بی‌سابقه‌ای پشت این فیلم و فیلمساز آن قرار دارد. مخصوصاً زمانی که از مصائب پشت‌پرده تولید این فیلم رونمایی شد و جامعه جهانی در یافتند «مصطفی عقاد» با به جان خریدن مشکلات چه مسیر دشواری، این فیلم را جلوی دوربین برد. تا پیش از فیلم مجید مجیدی، این فیلم، تنها اثر جهانی بود که در ساحت پیامبر مهربانی‌ها ساخته شده و مرجع بسیار خوبی برای آشنایی غربی‌ها با حضرت محمد(ص) بود.

قد رمسلم آنکه در میان انبوه فیلم‌هایی که با محوریت حضرت مسیح(ع)، حضرت موسی(ع) و حتی بودا ساخته شده، وجود این فیلم در ساحت پیامبر اکرم(ص) بی‌نهایتی بزرگ محسوب می‌شود. مخصوصاً اینکه فیلم با عوامل شناخته‌شده جهانی جلوی دوربین رفت که سبب توجه جامعه جهانی به این اثر حتی تا امروز شده است. قطعاً اگر هوشمندی بالا و اهتمام ویژه و سماجت وصف‌ناپذیر مصطفی عقاد در پروسه پنج ساله ساخت این فیلم نبود، اکنون «محمد رسول‌الله(ص)» به‌عنوان یکی از خوش‌ساخت‌ترین و تأثیرگذارترین فیلم‌های تاریخی سینمای جهان به حساب نمی‌آمد.